

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 92/11/13

اعلمیت علی (علیه السلام) و جهل خلفاء نسبت به برخی از مسائل

آقای علی اسماعیلی:

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين إنه خير ناصر و معين و صلى الله على سيدنا محمد و آل طيبين الطاهرين المعصومين المكرمين الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين و الأئمة المعصومين عليهم السلام.

سلام و درود پیش گاه یکایک شما بینندگان عزیز و ارجمند شبکه ی جهانی ولایت اوقات و لحظات بسیار خوب و خوش و خرمی را برای شما آرزو می کنم عزیزان هم وطن هم در گوشه و کنار ایران اسلامی در هر کجا که هستید و عزیزان بیننده ای که در گوشه و کنار این کره ی خاکی همراه و هم دل برنامه های شبکه ی جهانی ولایت هستید. برنامه ی زنده ی حبل المتین از این شبکه ی نورانی و مقدس تقدیم حضور شما می شود در غیاب هم کار عزیزم جناب آقای محسنی، حقیر توفیق پیدا کردم که در این برنامه خدمت گذار شما باشم در مقابل دیدگان مهربان شما قرار بگیرم و این برنامه را تقدیم حضور تان بکنیم با جمعی از هم کاران عزیزم که پشت دور بین ها هستند، در اتاق فرمان هستند تا این برنامه به نحو احسن تقدیم حضور شما بشود. خدا را شکر می کنیم از این که عشق و ارادت و محبت مولای عرشیان و فرشیان آقا امیر المومنان علی علیه السلام را در این دل های ما گذاشته است و هر شب موقع خوابیدن یادی از مولا می کنیم و به واسطه ی نعمت شکر خدا را به جا می آوریم. صبح که از خواب بیدار می شویم باز هم خدا را شاکر و سپاس گذار هستیم در همه ی لحظات زندگی مان ان شاء الله شاکر این نعمت بزرگ باشیم ان شاء الله.

همان طور که می دانید مهمان و کار شناس عزیز و بزرگوار برنامه ی حبل المتین حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستند و امشب هم حقیر توفیق دارم در محضر ایشان باشم و خدمت تان عرض بکنم که سامانه ی پیامک شبکه ی جهانی ولایت در خدمت شما است آقای کیایی عزیز زحمت می کشند زیر نویس می کنند. بله این شماره پیامک ما است ۳۰۰۰۱۲۰۳ تلفن ها هم به موقع زیر نویس می شود که بخشی از برنامه عزیزان می توانید تماس بگیرید و مطالب خودتان را بیان بکنید و سوالات خودتان را مطرح بکنید جناب استاد ان شاء الله پاسخ گو خواهند بود. حضرت استاد سلام علیکم خیلی خوش آمدید ان شاء الله که پیروز و سر بلند باشید. نکته ای هم که است خلاصه این روز ها برف باریده است در شهر مقدس قم هوا کمی سرد شده است باید مواظب خودتان هم باشید.

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته بنده هم خدمت همه ی بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی در هر کجای این کره ی خاکی هستند و ما را مهمان گرم و با صفای خانواده ی خودشان قرار داده اند گر چه هوا سرد است ولی کانون خانواده ها الحمد الله به عنایت الهی و فضل و کرم اش گرم است ما را مهمان این کانون گرم قرار داده اند به همه خالصانه ترین سلام ام را تقدیم می کنم. موفقیت همه ی گرامیان را از خدا می خواهم. خدا را به آبروی محمد و آل محمد سوگند می دهم گرفتاری ها را بر طرف کند. حوائج همه را بر آورده کند. دعاها ی همه ی ما و شما را به اجابت برساند. و امید این که عزیزان ما را هم از دعای خیر فراموش نکنند. البته این قضیه ی برف هم فقط مال قم نیست ظاهرا جهانی است و مخصوصا در کشور جمهوری اسلامی قالب شهر ها الحمد الله از این نعمت برف بر خوردار هستند. ما در قم در این ۴۳ سال که هستیم شاید من در مجموع ۴ یا ۵ سال بیش تر ندیدم برف بیارد.

شکر خدای عالم امسال از این نعمت ما بر خوردار بودیم خیلی از بیماری ها را همین برف از بین می برد. خیلی از میکروب ها را در اثر سردی هوا نابود می کند. مخصوصا برای عزیزان کشاورز نعمت خیلی ویژه ای

است بر همه ی نعمت های الهی سپاس گذاریم. خدا ان شاء الله همه ی ما و شما بینندگان را از شاکرین قرار بدهد ان شاء الله.

آقای علی اسماعیلی:

ان شاء الله، یکی از وقت هایی هم که دعا مستجاب می شود وقتی است که رحمت الهی نازل می شود. چه قدر خوب است که لحظات استجاب دعا، موقع اذان، موقع قرآن خواندن، خیلی جا ها است که لحظه های حساس است از خدا بخواهیم که این عشق و محبتی که در دل های ما گذاشته است کم نکند و از ما نگیرد و ان شاء الله دعا برای ظهور و فرج مولای ما و آقای ما حضرت ولی عصر علیه السلام را هم از یاد نبریم. جناب استاد در برنامه های گذشته که البته حقیر توفیق نداشتم خدمت تان باشم حضرت عالی مباحثی را داشتید بحث پیرامون عدله ی عقلی امامت است. در برنامه ی گذشته مقداری در خصوص مقایسه ی جای گاه علمی وجود مقدس امیر المومنان علی علیه السلام با خلیفه ی اول و دوم صحبت کردید منتها اجمالی مطالب را بیان کردید. می خواهیم امشب کمی باز کنید و بیش تر توضیح بدهید.

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی رسول الله آله آل الله لا سیما علی مولانا علی بقیة الله. و لعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله. و فوذ امری الی الله ان الله بصیر بالعباد. حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولا و نعم النصیر. یا ابا صالح المهدی ادرکنا. یا وجیه عند الله اشفع لنا عند الله.

ما در جلسات گذشته در رابطه با این که یکی از عدله ی عقلی امامت اعلمیت خلیفه و امام نسبت به تمام شهروندان است. بحث شجاعت است که باید اشجع الناس باشد، بحث عدالت است باید عدل مردم باشد،

ما در رابطه با اعملیت امیر المومنین از سخنان نبی مکرم مطلب آورده ایم. صحابه، تابعین، علمای بزرگوار، که این ها اعتراف دارند بر این که،

علم الناس بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.

امیر المومنین سلام الله علیه است. و دیگر صحابه در هر مشکل علمی مواجه می شدند سراغ امیر المومنین سلام الله علیه می رفتند. و سابقه ندارد در یک موردی امیر المومنین سلام الله علیه از دیگر صحابه یک مسئله ی شرعی و یک حکم شرعی را سوال کرده باشد. ولی از آن طرف ما جای گاه علمی خلفا را از دیدگاه بزرگان اهل سنت در منابع اهل سنت ما مفصل مطرح کردیم. این که جناب خلیفه ی اول و دوم در رابطه با تفسیر قرآن مثل قضیه ی تفسیر،

و أبا.

قضیه ی ارث کلالة، ارث جده و ارث دختر برادر و غیره با مشکل مواجه می شدند و نمی توانستند جواب بدهند. البته این عزیزان دقت کنند اگر بعضی از بزرگواران اهل سنت تازه بیننده ی برنامه ی شبکه ی ولایت هستند ما در این شبکه هر گونه اهانت به مقدسات اهل سنت را گناهی بزرگ و نابخشودنی می دانیم و از طرفی هم ما خود مان را معصوم نمی دانیم بارها ما گفته ایم اشتباه کرده ایم، می کنیم، خواهیم کرد. این شعار ما است. ولی این شجاعت را داریم اگر یک جا اشتباه برای ما محرض و قطعی بشود یا مخصوصا جسارتی به عزیزان اهل سنت یا استشمام اهانت هم بشود با صراحت ما عذر خواهی می کنیم و پوزش می طلبیم و جبران می کنیم. نه تنها از طرف خودم بلکه دیگر کار شناسان بزرگواری که در این جا هستند مسئولیت شان اولاً متوجه شخص بنده است. این را من دارم عرض می کنم درست است شبکه تحت اشراف مرجعیت است ولی مسئولیت با خود بنده است. اگر اشکالی باشد مال ما است و اگر هم خوبی ها هم باشد مال خدای عالم است.

اگر خوبی های غیبی است همه تفضل الهی است. اگر بد سلیقگی است این دیگر با ما است. و همچنین ما نسبت به عزیزان بیننده یمان هم اگر چه از نظر قاعده ی رسانه ای شبکه هیچ گونه مسئولیتی در برابر تماس گیرنده گان ندارد، این قانون همه ی رسانه ها است. ولی ما با قاطعیت تمام در طول این نزدیک ۴ سال اگر چنان چه عزیز شیعه زنگ زده است و دیده ایم لهن کلام و لهن تندی است و اهانت است بلا فاصله تذکر داده ایم و اگر این به تذکر ما عمل نمی کند قطع اش کرده ایم. یا اگر یک دفعه حرف اش رفت روی آنتن بلا فاصله ما عذر خواهی کرده ایم. ما روش مان این است. ولی بحث های علمی سر جای خودش است، بحث های علمی که از منابع شیعه و سنی آمده است این ها کاملاً مطرح می شود همان طوری که خود آقایان اهل سنت همین فقه مقارن، کلام مقارن، رجال مقارن، دارند اختلافی که بین مذاهب اسلامی است، مالکی ها با شافعی ها، شافعی ها با حنفی ها، حنفی ها با مالکی ها، اختلاف دارند.

من بار ها گفته ام اختلاف شیعه با اهل سنت قطعاً کم تر از اختلاف بعضی از مذاهب اهل سنت با یک دیگر است. این را ما به اثبات رساندیم و این بحثی هم که ما داریم می کنیم کاملاً بحث علمی است از منابع عزیزان اهل سنت می آوریم. تلاش هم می کنیم بر این که این مباحث مان ۱۰۰ در ۱۰۰ مستند باشد. این بحث های مستند هم اگر بنا باشد که این ها ضرر به وحدت بزند یا بوی اهانت بدهد باید این آقایان این کتاب ها را همه را بردارند قالب شان از بین ببرند.

ما در پایان به یک بحثی رسیدیم که جناب خلیفه ی اول در آخرین لحظات عمر شان نسبت به چند مورد اظهار ندامت و پشیمانی کردند که من جمله از آن ها قضیه ی حمله به خانه ی حضرت زهرا بود که ان شاء الله ما در ایام فاطمیه مفصل این را مستند نقل خواهیم کرد. حالا ان شاء الله بحث ویژه برنامه ی فاطمیه هم که داریم بزرگواران اهل سنت هم می توانند بیابند روی خط اظهار نظر کنند در این زمینه، و من جمله از آن ها این بود که ایشان گفت من ای کاش از پیغمبر اکرم سوال کرده بودم که خلافت بعد از پیغمبر مال چه کسی است؟

من فقط به صورت گذرا عرض می کنم که جناب ابو بکر در آخرین لحظات عمر شان می گوید من تأسف نمی خورم مگر بر ۳ چیزی که انجام داده ام که ای کاش انجام نداده بودم. ۳ چیز را انجام ندادم ای کاش انجام داده بودم. و از ۳ مسئله ای کاش از پیغمبر سوال کرده بودم ولی سوال نکردم. یعنی نمی دانستم و حتی آخر عمر هم تأسف می خورد از عدم آگاهی اش، اولی اش این است که ای کاش من سوال کرده بودم،

فیمن هذا الأمر فلا ینازعه أهله !

می گوید ای کاش من از پیغمبر پرسیده بودم که یا رسول الله امر امامت و خلافت بعد از تو به عهده ی چه کسی است!

تا این که با آن کسی که شأنیت و اهلیت برای خلافت دارد کسی مخالفت و نزاع نکند. و دوم این که سوال کرده بودم آیا انصار هم حق انتخاب برای خلافت دارند؟ یا ندارند؟ بعد می گوید سوال کرده بودم عمه و دختر برادر هم ارث می برند یا نمی برند؟ این بحثی است که ما در گذشته مفصل بحث کردیم. این هم از خود معجم کبیر طبرانی و تاریخ طبری این قضیه را دارد، تصویر کتاب اش را هم ما نشان دادیم برای عزیزان، جناب مقدسی این روایت را با تصحیح سند در احادیث المختاره آورده است و جناب سیوطی در مسند فاطمه این قضیه را آورده است. و خود ذهبی در کتاب تاریخ الاسلام شان این قضیه را مفصل آورده است. و مسئله ی آن ۳ موردی که جناب آقای خلیفه ی دوم تأسف داشتند مخصوصا نسبت به کشتن فجاعه ی سلمه و غیره این ها را ما توضیح دادیم. و در این زمینه هم ما یک تحلیلی از فرمایشات جناب خلیفه ی اول داشتیم.

و همچنین خود جناب خلیفه ی دوم هم طبق عبارت آقای عبد الرزاق ایشان هم می گوید ای کاش من از این ۳ تا مسئله ای که از پیغمبر سوال کرده بودم برای من خلاصه از شتران سرخ مو قیمتی تر بود، من جمله از آن ها این است که ای کاش من سوال کرده بودم،

عن الخلیفة بعده؟

ای کاش سوال کرده بودم یا رسول الله خلیفه ی بعد از شما که است؟

خیلی عجیب است این قضیه، یکی از این دوستان می گفت این روایت با آن روایتی که جناب خلیفه ی دوم می آید تبریک می گوید به امیر المومنین در غدیر چه طور قابل جمع است؟ این را ما که نباید پاسخ بدهیم! شما باید پاسخ بدهید که این را جناب خطیب بغدادی در تاریخ بغداد ج ۸ ص ۲۸۴ با سند معتبر نقل کرده است و همچنین جناب آقای ابن کثیر دمشقی متوفی ۷۷۴ در البدایه و النهایه این را ج ۷ ص ۳۵۰ نقل کرده است. این ها چیزی نیست که ما بخواهیم و جواب این عزیز مان هم جناب آقای ابو حامد غزالی داده است بر این که جناب عمر تبریک گفت،

ثم غلب بعد ها الحوا إلى آخره،

این جا جناب خلیفه ی دوم می گوید که دیگر شما ها نقل کرده اید مال ما نیست. عبد الرزاق صنعانی هم مورد اعتماد شما است. یحیی بن معین می گوید اگر عبد الرزاق از دین هم مرتد بشود ما احادیث او را قبول می کنیم. و همچنین حاکم نیشابوری همین قضیه را نقل می کند. می گوید:

هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین.

این حدیث صحیح است شرائط بخاری و مسلم را دارد.

این هم از نرم افزار ها، و جناب ابو بکر نسبت به ارث جده نا آگاه بودند این ها را ما آوردیم، نسبت به کلاله با این که در قرآن بحث کلاله آمده است این ها در حقیقت جناب آقای اسماعیلی بزرگوار عصاره ای از بحث هایی بود، شما این را بخواهید مقایسه بفرمایید نسبت به امیر المومنین سلام الله علیه این ها واقعا یک مقداری قیاس مع الفارق است، و من جمله از آن هایی که خیلی از عزیزان اهل سنت یک ذره برای شان قابل هضم نبود. البته ما دیدیم بعضی از عزیزان می آیند یک مقداری با یک برخوردی که نه می توانند انکار بکنند و نه می توانند که قبول بکنند که در خود صحیح مسلم که نقل می کند که از جناب خلیفه ی دوم یک کسی می آید سوال می کند که من جنوب شده ام چه کار کنم نماز ام را؟ می گوید تو نماز نخوان، این دیگر در صحیح مسلم است، سنن ابن ماجه، سنن نسائی، می گوید:

لا تصلي.

از نظر شرعی اگر کسی تا خرخره در نجاست هم باشد، اگر کسی افتاده است در دریا دارد غرق می شود احساس کرد که نماز اش را نخوانده است در همان حال با اشاره در دل اش،

الله اکبر، السلام علیکم و رحمة الله و برکاة.

یعنی همان جا در داخل دریا دارد غرق می شود آقایان می گویند در آن حال هم به هر کیفیتی می تواند. می تواند ایستاده بخواند، نشسته بخواند، خوابیده بخواند، یا کسی در داخل ماشین است و ماشین را نگه نمی دارند همان جا در صندلی نشسته نماز اش را بخواند برای رکوع و سجده یک مقداری سر اش را خم کند، در هوا پیما است وقت نماز است باید یک طوری بخواند، نماز در هیچ حالی قابلیت این که ما بتوانیم به یک عذری نخوانیم نیست. فرق بین نماز و روزه این است، روزه بعضی از اعداز است که مانع می شود، ولی نماز در تمام حالات باید خوانده شود، این هیچ راه گریزی ندارد بر این که انسان باید نماز را بخواند. فقط در یک مورد است در رابطه با خانم هایی که عادت ماهیانه دارند آن هم یک بحث جدایی دارد که در آن حال امکان نماز خواندن نیست و اگر نه خود قرآن به صراحت در رابطه با حالت جنابت می گوید،

أو لامستم النساء.

اگر چنان چه با همسران تان هم بستر شدید،

فلم تجدوا ماء فتیمموا.

آب پیدا نکردید تیمم بکنید.

و امثال این قضایا را ما مفصل در گذشته این ها را مطرح کرده ایم. حالا سوال جدیدی اگر حضرت عالی

دارید من در خدمت حضرت عالی هستم.

آقای علی اسماعیلی:

خواهش می‌کنم ضمن این که خودشان هم اعتراف کردند هم خلیفه ی اول و هم خلیفه ی دوم که بارها به این اعتراف کردند که،
لولا علی لهلك عمر.

را داریم که بارها تکرار هم شده است، و این که خودشان اعتراف کردند امیر المومنین بارها به فریاد ایشان رسیده است و کمک شان هم کرده است در مباحث علمی، جناب استاد حالا سوال بعدی که مطرح است می‌خواهیم در خصوص حدیث استیذان کمی صحبت بکنیم که خلیفه ی دوم به خاطر عدم آگاهی بر خورد تندی با صحابه داشته است این را می‌خواهیم کمی باز بکنید همه کلمه ی استیذان را شاید برای عزیزان خیلی مأنوس نباشد که چرا این نام گذاری شده است و توضیحی که عرض کردم خدمت شما،

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

بله، در رابطه با قضیه ی استیذان قرآن هم دارد بر این که می‌خواهید داخل خانه ی دیگران بشوید اذن بخواهید اگر به شما اذن ندادند وارد نشوید بر گردید. یک روزی جناب خلیفه ی دوم نشستند بودند یکی از صحابه ابو موسی اشعری آمد و گفت بر این که من می‌خواهم وارد بشوم جناب خلیفه، جواب ندادند، مسئله ی دوم اذن خواست جواب نداد، مسئله ی سوم ابو موسی بر گشت، عزیزان این را دقت بکنند که در صحیح بخاری است،

استأذن أبو موسى علی عمر فکانه وجده مشغولا فرجع.

و دید که جناب عمر مشغول است ایشان بر گشت.

فقال عمر ألم أسمع صوت عبد الله بن قیس، اذنوا له.

مگر نشنیده اید که ابو موسی اشعری آمد اذن دخول خواست؟ بگویید بیاید.

رفتند به او گفتند چرا بر گشتید؟ گفت بر این که ما دستور مان این است پیغمبر فرمود اگر اذن خواستید و اذن ندادند بر گردید. بعد عمر از ابو موسی اشعری قبول نکرد گفت این روایتی که شما از پیغمبر دارید نقل می کنید که پیغمبر دستور داده است اگر اذن خواستید به شما اذن ندادند بر گردید این کجا است؟ باید بینه بیاورید.

أو لأفعلن بك.

تو را چنین و چنان می کنم.

فانطلق إلى مجلس من الأنصار.

رفت پیش مجلسی که مال انصار بوده.

و گفت آیا شما این روایت را شنیده اید از پیغمبر یا نه؟ ابو سعید خدری گفت بله من شنیده ام، وقتی ابو سعید خدری هم آمد پیش عمر شهادت داد که من هم از پیغمبر شنیده ام، این جا ببینید خود خلیفه ی دوم سخن صحابه را قبول نمی کند، ابو موسی اشعری هم از کبار اصحاب پیغمبر است و آقایان اهل سنت هم خیلی برایش احترام ویژه دارند. می گوید خلیفه ی دوم سخن او را نپذیرفت گفت باید یک نفر دیگر هم شاهد بیاوری، وقتی شاهد آمد،

فقال عمر خفي على هذا من أمر النبي.

این دستور که پیغمبر داده بود اذن بخواهید اگر اذن ندادند بر گردید این بر من مخفی شده بود.

ألهاني الصق بالأسواق.

این که من مشغول کار های بازاری بودم دیگر توفیق نداشتم خدمت پیغمبر این روایت را بشنوم.

این عبارتی است که صحیح بخاری دارد ج ۸ ص ۱۵۷ ح ۷۳۵۳، کتاب الاعتصام بالکتاب و السنه و باب

الحجه علی من قال، و همین روایت را صحیح مسلم خیلی مفصل آورده است. عزیزان من تقاضا دارم یک

مقداری روی این روایت دقت بکنند. این آقایانی که در برنامه هایشان یا در کتاب هایشان شیعه را متهم می

کنند که شما حرمت صحابه را نگه نمی دارید و اهانت می کنید و جسارت می کنید حالا بفرمایید از این روایت به ما جواب بدهند. مال صحیح مسلم هم است که آقایان شعار می دهند که صحیح مسلم و بخاری دیگر صحیح ترین کتاب است، ببینید این جا مفصل آورده است می گوید ابو موسی رفت خدمت آقای عمر بن الخطاب و سلام داد گفت:

هذا عبد الله بن قيس.

من عبد الله بن قيس هستم.

اجازه بدهید که بیایم. اجازه ندادند. دو باره سلام گفت گفت من ابو موسی هستم باز جواب نداد گفت

من اشعری هستم جواب ندادند،

ثم انصرف.

منصرف شد و برگشت.

فقال ردوا علي.

عمر گفت بروید ابو موسی را برگردانید.

وقتی آمد گفت:

ما ردك كنا في شغل.

حالا مقداری گفتید اجازه بدهید که بیایم من مشغول بودم کمی تحمل می کردی چه خبر است که

سریع برگشتی؟

گفت:

سمعت رسول الله يقول الاستئذان ثلاث.

از پیغمبر شنیدم که استیذان اجازه ورود بر منزل ۳ مرتبه است.

شما فرض می روید ۳ مرتبه زنگ را می زنید اگر جواب ندادند بر گردید شما، حالا آن زمان که زنگ نبود ولی صدا می رسید، به قول آقایان که می گویند خیلی از این خانه ها در هم نداشته، حالا این به چه مدرکی است و چه است حالا دیگر،

العهدۃ علی الراوی.

چون هر روز آقایان یک برنامه ای می گویند و بعد یک شعری می گویند در قافیه اش گیر می کنند می بینند خراب کردند فردا بر می گردانند،

الاستئذان ثلاث فإن أذن لك وإلا فارجع.

پیغمبر فرمود ۳ مرتبه اجازه بخواهید که وارد بشود بعد از ۳ بار اذن دخول خواستن اجازه ندادند بر گردید.

قال لتاتيني على هذا بينة.

باید برای این بینه بیاوری،

و إلا فعلت و فعلت.

تو را فلان و فلان می کنم.

خیلی عجیب است، حالا اگر این تعبیر مثلا در کافی بود یا در تهذیب بود، آسمان را بر سر کلینی و شیخ طوسی خراب می کردند که شما از قول عمر بن الخطاب دارید نقل می کنید که به صحابه جسارت کرده است، ابو موسی رفت و این طرف و آن طرف تا نزدیک های شب بود آمده بود مسجد عمر گفت که ابو موسی،

ما تقول أقد وجدت.

آیا پیدا کردی شاهی یا این که تو را شلاق بزنم؟

قال نعم أبي بن كعب.

ابن بن کعب شاهد است که پیغمبر همچین روایتی را گفته است.

ابی بن کعب هم از دیدگاه آقان صحابه ی جلیل و قدر است.

قال عدل.

آدمی عادل است.

قال یا ابا الطفیل ما یقول هذا.

به ابی بن کعب گفت نظر شما چه است؟

قال سمعت رسول الله یقول ذلک.

بعد آقای ابی بن کعب بر گشت گفت که،

یا ابن الخطاب فلا تکونن عذابا علی أصحاب رسول الله.

بر اصحاب پیغمبر عذاب نباش، اصحاب پیغمبر را شکنجه نکن. ببینید! آقای ابی بن کعب خطاب به خلیفه ی دوم، می گویند احترام امام زاده را باید متولی نگه دارد، وقتی که شما می بینید که جناب خلیفه ی دوم وقتی یک صحابه ی بزرگی مثل ابو موسی اشعری روایتی از پیغمبر نقل می کند روایت او را نمی پذیرد، می گوید قبول ندارم من، اگر شما تابع سنت خلیفه باشید یا سیره ی خلیفه باشید حدیث یک صحابی نباید مورد تأیید شما باشد، مگر این که ۲ تا از صحابه یک روایتی را نقل کرده باشند. یعنی خبر واحد ولو از صحابه هم باشد حجت نیست از دیدگاه شما، و بعد جناب عمر گفت که نه من یک حرفی را شنیدم می خواستم این حرف یک مقداری دقیق تر باشد و محکم تر باشد. این قضیه ای است که عجیب است.

در رابطه با این شبکه ها یک ویژه برنامه گذاشته اند که ناسزا گویی به اصحاب پیغمبر از چه وقتی شروع شده است؟ من می خواهم این آقایان را که نمی دانم متوجه می شوند! راجع به عقیل بی عقل حالا نمی خواهیم بگوییم مال خوب و بد بیخ ریش صاحب اش، جناب آقای هاشمی بزرگوار اگر می خواهید بدانید ناسزا به صحابه ی پیغمبر از چه وقتی شروع شده است؟ این روایت را ببینید، از بینندگان عزیز هم من تقاضا دارم این ها که با ما حاضر نیستند وارد مناظره بشوند، مرتب می گویند شبکه ی قرآن چنین و کرد و چنان کرد، شبکه

قرآن فرض بگیری اعلام کرد پشیمان شد دید صلاح اش نیست، شبکه ی ولایت که شبانه روز آماده برای مناظره است. ما الان در طول این ۴ سال هزاران بار گفته ایم نه تنها مراجع ما اعلام کردند با بزرگان شما آماده ی مناظره هستند. ما چند بار زنگ زدیم به شما از همین جا، جناب آقای ابو القاسمی، جناب آقای یزدانی، دیگران، زنگ زدند. شما هم واقعا راست می گوئید یک دفعه زنگ بزنید این جا بگوئید ما آماده ی مناظره هستیم.

به قول شما پیغمبر هم باشید پیامبران تکبر ندارند. یک کسی ادعای پیغمبری می کرد گفتند معجزه ات چه است گفت هر چه بخواهید، گفتند همان درختی که مثلا در ۲۰ متری است بگوئید بیاید جلو، گفت آقای درخت بیا جلو نیامد، مرتبه ی دوم گفت درخت بیا جلو دیگر، نیامد. گفت پیامبران تکبر ندارند درخت نیامد ما می رویم. این آقایان راست می گویند و تکبر ندارند؟ یک دفعه زنگ بزنند به ما، یا قبلا هماهنگی بکنند ما آمادگی داریم برای مناظره در یک جلسه ما گفتیم این آقایان تماس بگیرند یا ما تماس می گیریم ما حرفی نداریم یک ساعت یا یک ساعت و نیم شرائط و کیفیت مناظره با هم صحبت می کنیم برای یک بار، می گوئیم مناظره باید این شرائط را داشته باشد، هر شرائطی را با هم دیگر به توافق رسیدیم به عنوان یک قانون و قاعده ی مناظره می پذیریم. نه یک جلسه، ۵۰ یا ۱۰۰ یا ۲۰۰ جلسه هم این مناظره صورت بگیرد مخصوصا که الان شما کل شعارتان شعار تکفیر است.

شیعه را کافر می دانید، واجب القتل می دانید، مفتیان مفتکی شما همین طور دارند فتوا صادر می کنند، الان کشور سوریه را به یک ویرانه مبدل کرده اید، خدا به حق محمد و آل محمد خانه های شما را ویران کند، و یقین هم بدانید آه این بی گناهان آه آن انسانی که قلب اش را مثل یک وحشی درنده در آورد به دندان گرفت قطعا آه آن ها شما را خواهد گرفت، نه تنها شما را می گیرد آن دولت هایی هم که از این تروریست ها حمایت کردند یقین بدانند که یک روزی به دست همین تروریست ها گرفتار خواهند شد. شما الان عراق را نا امن کرده اید، لبنان را، که یک گلستانی در کشور های عربی بود به ویرانه دارید مبدل می کنید، و از آن طرف هم

آمریکا و اسرائیل دارند می خندند به ریش شما، همین را آن ها می خواهند. حالا شما عقل ندارید و شعور ندارید ما چه کار کنیم؟ شما بیایید در همان بحثی که اختلاف شیعه با شما است، بحث توسل است، بحث شفاعت است، بحث ولو تکفیر است، بحث صحابه است، شما بفرمایید ببینیم آیا ما به صحابه توهین می کنیم یا شما؟ این آقایان ویژه برنامه گذاشته اند که آقا اول کسی که بنیان گذار نا سزا گویی به صحابه بود چه کسی بود؟ نا سزا گویی به صحابه از چه وقتی شروع شده است؟ جناب آقای هاشمی بزرگوار بفرمایید این صحیح مسلم ج ۸ ص ۲۴۱ ح ۷۴۳۳، بینندگان زنگ می زنند تقاضا می کنیم از بینندگانی که به آن شبکه زنگ می زنند آدرس دقیق و عبارت اش را هم یاد داشت کنند. جناب عائشه ام المومنین بر می گردد به خواهر زاده اش عروه بن زبیر می گوید:

یا ابن أختي.

خواهر زاده ی من.

أمرؤ أن يستغفروا لأصحاب النبي.

خدا دستور داده است به اصحاب پیغمبر استغفار کنند.

فسبوهم.

ولی دارند اصحاب پیغمبر را فحش می دهند و نا سزا می گویند.

آقا بفرمایید این تاریخ نا سزا گویی به اصحاب پیغمبر که از چه وقتی شروع شده است! اگر می خواهید بفرمایید این است، راست می گویند بیایید به این جواب بدهید دیگر، صحیح مسلم هم که است، دیگر به قولی هم مشکلی ندارد. آن زمان شیعه ها بودند؟ صفوی ها بودند؟ حکومت جمهوری اسلامی بود؟ امام راحل بود رفته بود آن جا نا سزا می گفت؟ بفرمایید کلمه ی سب هم آمده است فحش دادن و نا سزا گفتن، در زمان عائشه مردم به اصحاب پیغمبر نا سزا می گفتند. شما بفرمایید،

فسبوهم.

با صیغه ی جمع هم است. هم،

سبو.

صیغه ی جمع است و هم،

هم.

ضمیر جمع است. بفرمایید این کسانی که به اصحاب پیغمبر نا سزا می گفتند چه کسانی بودند؟ این ها

را روشن کنید برای ما، چه چیزی از این بهتر؟ آقای حاکم نیشابوری هم باز می گوید:

أصحاب رسول الله أمروا بالاستغفار لهم.

اصحاب پیغمبر را دستور دادند که استغفار کنند.

فسبوهم.

دارند این ها را نا سزا می گویند.

ایشان هم می گوید:

هذا حديث صحيح على شرط الشيخين.

اگر یک آقایی بگوید مسلم اشتباه کرده است، این هم حاکم نیشابوری، سنن ابن ماجه دارد، ترمذی

دارد، بیش از شاید ۲۰۰ کتاب اهل سنت این عبارت عائشه را نقل کرده اند، اگر تاریخ سب صحابه را می خواهید!

بفرمایید این هم تاریخ سب صحابه، جناب آقای هاشمی به قولی گفته اند بازی بازی با دم شیر هم بازی؟ ما

نمی خواهیم سر به سر شما بگذاریم یک مقداری سر عقل بیایید. ببینید دنیا انقدر نمی ارزد این اموالی که به

شما می دهند و این پول هایی که به شما می دهند و الله انقدر نمی ارزد که آخرت تان را بفروشید،

و الله العلي العلاء.

پشیمان خواهید شد. قسم به تمام مقدسات مذهبی پشیمان خواهید شد. ولی روزی پشیمان می شود

که دیگر این پشیمانی سودی به حال شما ندارد. حالا قبول ندارید؟ مسئله ای نیست. ان شاء الله شما هم می

بینید ما هم خواهیم دید. این بینندگان عزیز مان هم ان شاء الله هم در عالم برزخ قطعاً خواهند دید یک عده ای در قیامت هم شاهد هستند که ما پشیمان می شویم یا شما پشیمان می شوید. این یک بحثی است که از قول جناب خلیفه ی دوم مطرح شده است و من هم در کنار این قضیه خواستم یک اشاره ای داشته باشم به شعار هایی که این حضرات دارند مطرح می کنند.

آقای علی اسماعیلی:

من فقط یک اطلاع رسانی بکنم خدمت عزیزان که از فردا شب ساعت ۲۰ به وقت ایران برنامه ی دفاع از صحابه با کار شناسی جناب استاد ابو القاسمی تقدیم حضور تان می شود که به جای برنامه ی کلمه ی طیبه است این هم برنامه ی بسیار خوبی است که قبلاً هم قول اش را داده بودیم به عزیزان بیننده، اما جناب استاد سوال دیگری که مطرح است این است که ما داریم در نقل های مختلف از برادران اهل سنت که عائشه بار ها سخن خلیفه ی دوم را تکذیب کرده است و یکی از آن مواردی که عائشه سخن خلیفه ی دوم را تکذیب کرده است بحث گریه برای اموات است این را می خواهیم قدری باز کنیم و این را هم توضیح بدهید تا دیگر اتمام حجتی بشود برای آقایانی که بعضی وقت ها به یک چیز هایی شبهه می کنند.

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با این نمی دانیم خود جناب آقای ابو القاسمی که ان شاء الله رسیدند ایشان و اگر نه بنده خودم مفصل در این رابطه با بینندگان عزیزان شاء الله سخن خواهم گفت و این که صحابه یک دیگر را تکذیب کردند، ما شاید بالای ۱۰ یا ۱۵ مورد داریم که صحابه به هم دیگر می گویند:

كذبة كذبة و الله.

به خدا تو دورغ می گویی.

قسم می خوردند. یا صحابه به هم دیگر می گویند تو عدو الله هستی، تو منافق هستی، این ها را ما ان شاء الله به حول و قوه ی الهی برای عزیزان ان شاء الله نقل می کنیم. یکی از مواردی که خود عائشه آمده است سخنی از خلیفه ی دوم نقل می شود و ایشان رسماً می آید تکذیب می کند همان قضیه ی گریه بر اموات است. این قضیه را این آقایان خیلی مانور می دهند که گریه نکنید بدعت است و چنین و چنان است. و در همین برنامه ی حقیقت و پندار هم کلیپی پخش شد و بخشی از جواب ها را هم عزیزان دادند.

این روایتی است که در صحیح بخاری آمده است عزیزان دقت کنند که وقتی که جناب خلیفه ی دوم زخمی شد توسط ابو لولو و این را هم که قضیه ی ابو لولو را ما مفصل مطرح کردیم. صهیب آمد غلام عمر وارد شد شروع کرد به گریه کردن گفت:

و أخاه و اصحاباه.

ای وای برادرم عمر ای وای صاحب ام مولایم عمر،

فقال عمر یا صهیب.

و ایشان بر گشت گفت آقای صهیب چرا دارید گریه می کنید؟

فقال عمر أتبکی علی.

دارید گریه می کنید.

با این که پیغمبر فرمود:

إن المیت یعذب ببعض بکاء أهله علیه.

اگر بچه های میت یا خانواده ی میت گریه کنند خدا به خاطر گریه ی این ها آن میت را عذاب می کند. یعنی اگر فرضاً یک کسی پدر اش را از دنیا رفته است یا مادر اش از دنیا رفته است یا برادر یا خواهر اش گریه کند، گریه ی این باعث می شود که میت را عذاب کنند. خیلی عبارت عجیبی است آن هم در صحیح بخاری است و صحیح مسلم، من در ذهن ام است در این ۲ تا کتاب حدود ۱۶ یا ۱۷ تا روایت در این زمینه

است. از خود خلیفه ی دوم و آقا زاده ی ایشان عبد الله عمر، خیلی عجیب است. جناب عمر می گوید اگر کسی گریه کرد بر پدر یا مادر اش خدا به خاطر گریه ی این آن را عذاب می کند. این دیگر خیلی چیز جالبی است. شاید برای بعضی از عزیزان بیننده ی اهل سنت ما هم تازگی داشته باشد یا حداقل تعجب آور باشد.

ابن عباس می گوید من آن جا بودم وقتی که آقای عمر بن الخطاب از دنیا رفت رفتن پیش عائشه گفتم عمر از پیغمبر همچین روایتی را مطرح کرد. عائشه گفت:

رحم الله عمر.

خدا رحمت اش کند.

و الله ما حدث رسول الله.

به خدا سوگند پیغمبر همچین روایتی نگفته است.

إن الله ليعذب المؤمن ببكاء أهله عليه.

خدای عالم یک مومن را به خاطر گریه ی خانواده اش عذاب می کند.

بفرمایید، قسم می خورد به خدا که پیغمبر همچین روایتی نگفته است. جناب عمر از چه کسی نقل می

کند؟ از پیغمبر دارد نقل می کند. بعد عائشه می گوید پیغمبر گفت:

إن الله ليزيد الكافر عذابا ببكاء أهله عليه.

خدای عالم کافر را عذاب می کند به خاطر گریه ی خانواده اش بر او،

بعد جالب این جا است، ما یک سوالی داریم از عزیزان اهل سنت این جا به ما جواب بدهند. کافر مرده

است و رفته است آن به اندازه ی خودش گناه دارد ولو کافر است چرا باید گریه ی خانواده اش باعث بشود

عذاب آن را بیش تر کنند؟ این هم برای ما سوال است. خود جناب عائشه می گوید:

حسبكم القرآن.

این که حرف عمر نادرست است قرآن می گوید:

و لا تزر وازرة وزر أخرى.

هیچ کس گناه دیگری را متحمل نیست. هر کس مسئول گناه خودش است.

جناب عائشه شما می فرمایید مومن را خدای عالم با گریه ی اهل اش عذاب نمی کند ولی کافر را

عذاب می کند. آیا،

و لا تزر وازرة وزر أخرى.

آیا این جا کلمه ی مومن است؟ حالا این سوالی است برای ما، شاید یک نکته ای است که ما متوجه

نیستیم. حالا اگر بزرگواران اهل سنت بیایند توضیح بدهند ما از دور پیشانی شان را می بوسیم. البته عرض کنم

۱۷ یا ۱۸ تا روایت است هر کدام به یک نوعی، ولی آن چه که ما به ذهن مان می رسد تکذیب کرده است حرف

خلیفه ی دوم را، و می گوید و الله پیغمبر همچین روایتی نگفته است. ولی من احساس می کنم حالا آن افرادی

که روایت را نقل کرده اند یک کلاغ و چهل کلاغ شده است. روایت دیگر است ببینید در صحیح مسلم، صحیح

مسلم شاید دقت اش بیش تر از بخاری بوده!

این جا عزیزان این را دقت کنند باز هشام بن عروه از پدرش او از خاله اش عائشه می گوید پیش خاله

ام عائشه بودم حرف پسر عمر، عبد الله عمر گفت:

المیت يعذب ببكاء أهله عليه.

پدر گفته است عائشه تکذیب کرده است.

ولی آقا زاده ول نمی کند می گوید نه میت را به خاطر گریه ی خانواده اش عذاب می کنند.

فقال: رحم الله أبا عبد الرحمن سمع شيئا فلم يحفظه.

عائشه گفت یک چیزی شنیده است ولی متوجه نشده است و خوب حفظ نکرده است.

این روایت است، این اگر باشد این یک مقداری معقول است،

إنما مرت على رسول الله صلى الله جنازة يهودي و هم يبكون عليه.

جنازه ی یک یهودی را داشتند می بردند خانواده اش و بستگان اش برای او گریه می کردند.

پیغمبر فرمود:

أنتم تبکون و إنه ليعذب.

شما دارید گریه می کنید آن دارد عذاب می کشد.

این خیلی معقول و زیبا است. اصلا یک مسلمان هم باشد اصلا به یهودی هم نشود، یک مسلمانی باشد یک گناهی دارد عذاب اش می کنند و خانواده اش دارند گریه می کند. این ها این همه دارند دل رحمی و ترحم و گریه و زاری می کنند ولی آن به خاطر گناهان اش عذاب می شود. البته این عبارت شاید در صحیح مسلم یا بخاری ۴ یا ۵ تا روایت با این عبارت،

جنازة يهودي.

یا،

جنازة يهودية.

زن یهودی را داشتند می بردند آمده است بر این که این به این شکل بوده، اگر بنا بر این باشد که واقعا ما بیاییم بگوئیم آقا اگر کسی فرض بفرمایید از دنیا برود خانواده اش برای او بخواهند گریه بکنند باعث بشود که آن میت را عذاب کنند. آقایان در رابطه با قضیه ای که در رابطه با نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم آقایان آورده اند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گریه می کردند بر حمزه ی سید الشهداء، گریه می کردند بر جعفر طیار، گریه می کردند بر فرزند شان، آن ها را آقایان چه کار می خواهند بکنند؟ آیا آن جا هم می توانند اعلام کنند؟

حالا مقداری از وقت هم گذشته است من فقط ۳ مورد را بگویم، گریه ی پیامبر در سوگ عبد المطلب و

ابو طالب، شاید این آقایان این جا را خیلی زیاد قبول نکنند. ولی گریه ی رسول اکرم در سوگ عثمان بن مظعون

برادر رضائی امیر المومنین، یا گریه ی پیغمبر در شهادت حمزه ی سید الشهداء، جابر بن عبد الله می گوید وقتی پیغمبر دید حمزه شهید است،

بکی.

شروع کرد به گریه کردن.

و حتی بی هوش هم شد. فریاد هم کشید، یعنی پس پیغمبر گریه کرد نستجیر بالله خدا حمزه را می خواهد عذاب کند؟ یا رسول اکرم بعد از گذشتن ۵۰ و اندی سال بعد از فتح مکه دارد بر می گردد به مدینه کنار قبر مادر بزرگوار شان آمنه گریه می کند، نه فقط پیغمبر بلکه تمام صحابه هم گریه کردند، پس نستجیر بالله به خاطر گریه ی پیغمبر خدا می خواهد عذاب مادر پیغمبر را بیش تر بکند؟ یا در رابطه با فرزند بزرگوار شان ابراهیم از دنیا می رود، این جا می بینیم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گریه می کند این دیگر عبارتی است که،

فجعلت عینا رسول الله تذر فان.

قطرات اشک پیغمبر جاری بود.

البته بعضی ها اعتراض کردند.

إن العطن تدمع و القلب یحزن.

دل می سوزد و چشم می گرید.

و فرمود ولی ما حرفی که خلاف رضایت خدا باشد نمی گوییم.

و إنا بفزلنک یا ابراهیم لمحزونون.

اگر واقعا شما بخواهید حرف جناب خلیفه ی دوم را تصدیق بکنید این جا دیگر در رابطه با نبی مکرم

صلی الله علیه و آله و سلم دیگر مسئله خیلی به هم می ریزد. و اضافه سنت پیغمبر هم است،

و لکن حمزه لا بواکی له.

عمومیم حمزه گریه کن ندارد.

زنان انصار جمع می شوند گریه می کنند. آیا با گریه ی زنان انصار حمزه نستجیر بالله عذاب اش بیش تر می شود؟ یا بر مثل جعفر طیار گریه کننده ها گریه کنند. ببینید این ها یک مقدار مباحثی است که دقت بیش تری می خواهد. ما یک ربع دیر شروع کردیم برنامه را یک مقدار مشکل فنی بود ما این دستگاہ مان هم بعضی وقت ها مثل خودمان به مشکل بر می خورد، ما از بینندگان عزیز پوزش می طلبیم هم به خاطر دیر شروع شدن برنامه و هم این که ۷ دقیقه هم ما از وقت عزیزان مان هم گرفتیم.

آقای علی اسماعیلی:

عزیزان بیننده هم چنان بیننده ی شبکه ی جهانی ولایت هستید، هم وطنان عزیزم گوشه و کنار ایران اسلامی، عزیزانی که در گوشه و کنار این کره ی خاکی همراه و هم دل ما هستید در کشور های مختلف و در قاره های مختلف، برنامه ی ما هم برنامه ی زنده است و نام اش هم جبل المتین است و در محضر حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هم هستیم. یک فاصله ی کوتاه میان برنامه ای را ببینیم تنفسی ایجاد بشود و بر می گردیم ان شاء الله تلفن های شما عزیزان را پاسخ بدهیم، هم عزیزان شیعه مان، هم عزیزان اهل سنت مان می توانند تماس بگیرند سوالات خودشان را مطرح کنند.

علی حب جنه قصیم نار و الجنه وصی المصطفی حقا امام الانس و الجنة.

ان شاء الله که عشق و محبت و ارادت و معرفت نسبت به امیر المومنین همچنان در دل ها و در وجود شما لبریز بشود. خدا را شکر می کنیم از این که این عشق و محبت در دل مان است. همیشه شاکر هستیم و همیشه هم به زبان می آوریم. اما از این لحظه به بعد ان شاء الله تا پایان برنامه که نزدیک ساعت ۲۲ به وقت ایران است ان شاء الله تلفن عزیزان را پاسخ خواهیم داد. من خواهش ام این است هم عزیزان شیعه و هم عزیزان اهل سنت رعایت وقت را بکنند و کوتاه صحبت بکنند. واقعا تلفن زیاد داریم خیلی ها پشت خط می آیند و خیلی ها گله مند هستند. می گویند ما لحظاتی معطل شدیم نشد. به هر صورت ما هم چاره ای نداریم. اگر

دوستان خودشان رعایت نکنند ان شاء الله فرصت بشود در خدمت همه ی عزیزانی که تماس می گیرند باشیم.
سر کار خانم قربانی از تهران اولین بیننده ی ما هستند از شیعیان هستند، خانم قربانی سلام علیکم.

بیننده:

سلام علیکم، تشکر می کنم از شما، با سلام خدمت آیت الله قزوینی و یاوران محترم شان، اول این که صحبت هایی که من الان دارم خدمت تان ارائه می دهم دوستانم که از من نظریه شان در مورد سنت نظر سنجی شما برای من خیلی مهم است چون که بالاخره مطالعات ما در حد بالا نیست و می خواهم از نظر شما استفاده کنیم. ولی این که بالاخره ما یک خانم خانه دار هستیم در حدی از مطالعات مان استفاده می کنیم اول این که من حس می کنم که آن هایی که وهابی هستند دچار یک تعصب بسیار عمیقی هستند. یک تعصب بی جا این ها را در بر گرفته است اما این که این ها چه طور می گویند که ما از قرآن این برنامه ها یمان است و اصل سنت در ما است؟ ولی من فکر کنم ما شیعه ها بیش تر اهل سنت پیغمبر هستیم تا آن ها، چون که ما هیچ کدام از سنت های پیغمبر را در دین مان رد نشده است.

هر سنتی که پیغمبر به جا گذاشته است شیعه ها آن را انجام داده اند. من نمی دانم حالا این ها چه طور می گویند اصل کار سنت را ما انجام می دهیم؟ از قرآن می گیریم؟ مثلا در این مدتی که من برنامه ی شما را نگاه می کردیم بعضی ها تحصیل کرده هم بودند گفتند ما حالا در مورد امام زمان یک چند در صدی مثلا ۷۰ یا ۸۰ در صد این ها می گفتند اعتقاد داریم ولی در مورد حضرت که می رسیدند می گفتند چه از حدیث های امام های خودشان در می آورند که آیا حضرت علی را قبول دارند یا نه؟ در این جا من متوجه می شدم دچار تعصب بی جا شده اند حاج آقا، و این تعصب های بی جا چه بسا که خیلی کارها را خراب می کند. و این نظریه ی من است که ان شاء الله مورد قبول باشد این است که اهدار وهابیون اول از شیعیان شروع شده است که این ها زیارت می روند، این ها چرا واقعه دارند، این ها چرا متوسل می شوند.

و الان بعضی از هم وطن های کرد که با آن ها بالاخره در این برنامه حرف های شان را گوش می کنم حتی یکی از آن ها گفت که ما بعضی از وهابیون که در واقع شروع کردند به خراب کردن قبر هایشان حتی قبر های عزیزانی که خاک کرده اند. من فکر می کنم اهداف وهابیون فرا تر از این حرف ها است. این ها اول از شیعیان شروع می کنند بعد خواهند گفت زیارت گاه ها، بعد سراغ مساجد خواهند رفت، نعوذ بالله، ببخشید امکان دارد یک روزی هم به طرف کعبه رو ببرند می گویند کعبه احتیاجی نیست. من دوست دارم این را به اهل سنت بگویم، بگویم که اگر وهابیون یک سرمایه گذاری بزرگی کردند اگر خدایی نا کرده که این اتفاق نخواهد افتاد، حتما سراغ اهل سنت هایی که بعضی از مسائل را قبول دارند خواهند رفت.

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

الان هم رفته اند خواهرم، الان در سوریه در عراق این افرادی که دارند می کشند در لبنان افرادی که دارند می کشند شاید ۷۰ یا ۸۰ در ۱۰۰ اهل سنت را دارند می کشند. این ها شاید در سوریه ۹۰ در ۱۰۰ شان هم کشته اند شیعه ی ۱۲ امامی نیستند این ها از اهل سنت هستند که این ها دارند می کشند. این ها اصلا کاری با این ندارند کل مسلمان ها را، غیر از خودشان همه را کافر می دانند این ها در این هیچ شک و شبهه ای نیست. ما تشکر می کنیم از شما،

آقای علی اسماعیلی:

ممنون خانم قربانی، تشکر از شما، اگر نکته ی دیگری نیست با شما خدا حافظی بکنیم. البته این هم جایی بسی افتخار دارد که یک خانم خانه دار انقدر نگاه اش و توجه اش و اطلاعات خوبی که دارد. الحمد لله خدا را شکر و ان شاء الله موفق باشید خواهر بزرگووارم، بیننده ی بعدی ما از عزیزان اهل سنت هستند آقای شهنازی از چابهار، آقای شهنازی سلام به شما،

سلام علیکم. خسته نباشید. من قبل از همه چیز یک آیه از کلام الله مجید قرائت می کنم،

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم، ان الله و ملائکة یصلون علی النبی یا ایها الذین

آمنوا سلوا علیه و سلموا تسلیما.

با سلام و خسته نباشید خدمت شما من یک جوان اهل سنت هستم شبکه ی شما را نگاه می کنم هم

شبکه های دیگر را، هر انسان عاقلی در این دوران بالاخره دنبال حقیقت است که بفهمد حقیقت چه است؟ من

از شما حاج آقا یک خواهشی دارم به عنوان یک اهل سنت که زنگ زده ام بالاخره این برداشت نشود که الان

آمده است با من مناظره بکند یا حرفی بزند ما کوچک تر از این حرف ها هستیم. ولی چند تا سوال داشتم که

می خواستم این سوال ها را بپرسم و در آخر هم خواهشی دارم که در آخر مطرح می کنم. من می خواستم در

مورد امامت، اصل امامت به گونه ای که برادران شیعه ی ما می گویند و اسمت امامت از قرآن، بالاخره حرف

بزنند ببینیم چه طور است و چه طور نیست. بالاخره از خود قرآن چون منبع همه ی مسلمان ها در ردیف اول

قرآن است. امامت در قرآن و اسمت امامت در قرآن صراحتا مثل که در قرآن بعضی چیز ها آمده است نماز و

روزه و زکات از هر چیز از پیامبران و از چندین چیز ها خداوند در قرآن به صراحت حرف زده است مثلا از طلاق

و از روزه گرفتن، از خیلی چیزها از همه چیز که خودتان بهتر می دانید.

حالا من می خواهم در این مورد که مثلا امامان، که برادران شیعه می گویند حضرت علی از طرف

خداوند است و بالاخره آن طور که باید می شد، نشد. ۳ تا خلیفه آمدند و حق به او نرسیده است این چه طور

است؟ برای من توضیح بدهید که مثلا از قرآن برای من یک طوری ثابت کنید که من قانع بشوم که من دنبال

حقیقت هستم و کاری به شیعه و سنی ندارم. هر کسی دوست دار اهل بیت است من خودم خدا شاهد است

حضرت علی را از تمام خلفا و از تمام اصحاب پیغمبر بیش تر دوست دارم. حضرت علی را اهل سنت خیلی

دوست دارند حالا شاید شیعه ها نفهمند. یعنی من حتی از عمر و از ابو بکر رضی الله عنهم و از تمام خلیفه ها و

صحابه حضرت علی را خیلی بیش تر دوست دارم. ولی می خواهم این برای من ثابت بشود و بدانم، وقتی خداوند فرموده است،

و أقيموا الصلاة.

نماز بخوانید.

هر موارد دیگری که پیغمبر است و تمام چیز های دیگر صحبت کرده است، از امامت هم توضیح بدهید که بالاخره من هم بدانم چه طور است.

آقای علی اسماعیلی:

آقای شهنوازی جان چون ما نمی توانیم که شما پشت خط باشید اگر اجازه بدهید با شما خدا حافظی بکنیم و از طریق گیرنده پاسخ سوال تان را بگیریم. اشکالی ندارد؟

بیننده:

یک خواهشی داشتم. این شبکه های اهل سنت هستند مخصوصا کلمه، اهل سنت یا وهابی بالاخره خودشان را اهل سنت می دانند. حالا این خواهش از شما دارم که با این ها بشینید رو در رو و پخش مستقیم باشد که تمام مردم ببینند بالاخره با این ها صحبت کنید یک کسی که مثل من دنبال حقیقت است چون در منطقه ی خودمان رفتم در حسینیه می خواستم با همان شیخ بزرگ صحبت کنم بالاخره نگذاشتند من بروم داخل گفتند بروید کتاب ها را بخوانید ولی نمی شود چون آدم مستقیم از ۲ طرف عدله ی شما را بشنود و از آن ها را بشنود زود تر به حقیقت می رسد.

آقای علی اسماعیلی:

آقای شهنوازی جان برنامه ی امشب حبل المتین را از همان ابتدا شما دیدید؟

بیننده:

نه، یک ذره ماهواره ام خراب است یک ذره ایراد دارد.

آقای علی اسماعیلی:

حضرت استاد قزوینی همان ابتدا مفصل توضیح دادند در این خصوص اعلام آمادگی کردند هر ساعتی، هر لحظه ای، هر موقع ای، هر جایی که آن ها بگویند ما گفتیم که آماده هستیم برای مناظره و برای گفت و گو و بحث علمی. خود حضرت استاد، شاگردان شان. ایشان بار ها در برنامه های علمی مختلف فرمودند و امشب هم بسیار تأکید کردند که ما آمادگی داریم.

بیننده:

ببخشید که جلوی حرف شما را می گیریم، شرمنده، حالا یک طوری شما این جا می گویند ما آمده هستیم. آن ها هم در شبکه ی خودشان می گویند ما آماده هستیم. آن ها می گویند شبکه ی ولایت نمی آید شما می گویند آن ها نمی آیند. حالا چه طور ما بفهمیم که آن ها نمی آیند یا شما؟

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

آقای شهنوازی عزیز ما از شما به عنوان یک عزیز اهل سنت می توانم یک خواهش هم داشته باشیم از

حضرت عالی؟

بیننده:

بفرمایید.

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

ببینید ما چندین بار از همین جا زنگ زدیم و با این آقایان صحبت کردیم آخر هم تلفن های ما را قطع کردند ما بیش از ۱۰ بار از این جا زنگ زدیم. تصاویر اش هم است عزیز من حتی تعدادی از آقایان از شیعه ها از هلند آن چه که سند اش هم است با آن آقایان صحبت کردند ما هم تمام صحبت ها را آقایان که به ما زنگ زدند همه را ضبط کردیم ما، که گفتند ما حاضر هستیم حتی یک مبلغی پول هم به شما کمک بکنیم شما با شبکه ی ولایت مناظره کنید. قبول کردند بعد زیر اش زدند. حضرت عالی به عنوان نماینده ی شبکه ی ولایت عزیز ما، سرور ما، تماس بگیرید با این ها هماهنگی بکنید و بگویید من با آن ها صحبت کردم حضرت عالی آقای کنید به عنوان یک اهل سنت هماهنگی بکنید و به ما هم زنگ بزنید.

بیننده:

به عنوان یک کسی که دنبال حقیقت زنگ می زنم.

آقای علی اسماعیلی:

اشکالی ندارد به هر عنوانی که دوست دارید.

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

بله خیلی خوب است. من معتقد هستم و دعوا هم با آن ها نداریم یک بحث علمی بیابند با هم دیگر شبکه به شبکه، آن آقایان شما ببینید همین آقای حیدری از ۳ سال و نیم قبل ما تمام کلیپ هایش را هم پخش کردیم اگر هم لازم باشد الان هم فرصت باشد اتاق فرمان پخش می کنند. ایشان فرمود من حاضر هستم با آقای قزوینی مناظره کنم ما هم گفتیم حاضر هستیم. بعد گفت من مناظره نمی کنم. دو باره گفت می کنم نمی دانم در رابطه با ازدواج ام کلثوم با عمر، بعد گفت این حالا هر چه بود گذشته است رفته است، در مورد

امامت در قرآن، ما گفتیم چشم ما آمادگی داریم آخر اش هم همین آقای هاشمی سوال کرد بر این که آقای حیدری این مناظره چه شد؟ ما کلیپ اش را حداقل ۱۰۰ بار پخش کرده ایم این جا، گفت من از آقای قزوینی می ترسم و از عکس آقای قزوینی هم می ترسم.

مگر ما آقای شهنوازی لولو خور خوره هستیم از ما بترسند؟ وحشتی داریم؟ حالا ما پسوند اسم مان قزوینی است گناه که نکرده ایم! ما بار ها از ایشان خواهش کردیم که بیایید می گویند هر کس مناظره کند با شما نابود اش می کنند. مناظره کردن با آقای قزوینی یعنی نابود شدن و از بین رفتن و ترور شدن، ما به آقای ملا زاده مناظره کردیم سالم و سلامت هر روز دارد فحش می دهد. با جناب آقای مراد زهی مناظره کردیم الحمد الله ایشان رفت در شبکه های شیطانی هم رفت همین چندی قبل مناظره داشتیم. بنده خودم با ۲ نفر از این آقایان مناظره کردیم الحمد الله الان در قید حیات هستند هیچ تهدیدی هم متوجه این ها نشده است.

ببینید من گفته ام این از قزوینی نمی ترسد از منطق قزوینی که بر گرفته از منطق اهل بیت است از این آقایان می ترسند. یا از جهل شان می ترسند از این که بیایند در مناظره رسوا بشوند از این ها می ترسند. شما آقای کنید اگر می خواهید هزینه را هم ما می دهیم شاید جسارت باشد خدمت حضرت عالی ولی حتی حاضر هستیم ما یکی از این آقایان ظاهرا آقای اثنی عشری گفت اگر کسی واسطه بشود این مناظره صورت بگیرد ایشان گفت من ۱۰ میلیون تومان جایزه می دهم. و ایشان یقین دارم الان اگر برنامه ی ما را هم می شنوند الان هم آمادگی دارند هر کس از اهل سنت یا شیعه باعث بشود این مناظره صورت بگیرد ایشان حاضر است ۱۰ میلیون تومان هم جایزه بدهد. از این بهتر؟ شما آقای کنید تماس بگیرید با آن ها شماره ی ما را هم که دارید عزیز من، حتی اگر چنان چه خواستید الان وصل بشوید دو باره به اتاق فرمان یک شماره ی دیگر هم به شما بدهند، شماره ی همراه هم بدهند جناب آقای موسوی شماره ی همراه اش هم بدهد به آقای شهنوازی اگر چنان چه این آقایان واقعا حاضر شدند برای مناظره کردن جناب آقای هاشمی هم شماره ی همراه بنده را دارد و من هم شماره ی همراه ایشان هم قدیم و هم جدید اش را دارم.

لازم هم باشد با خود بنده هم آقایان بخواهند هماهنگی بکنند بنده هیچ حرفی ندارم آقای شهنازی، نه تنها به شما به همه ی عزیزان اهل سنت، ما که حرفی نداریم عزیز من، ما بیش از ۲۰ یا ۳۰ بار از همین جا تلفن کردیم یا تلفن ما را برنداشتند یا گفته اند ما با شما مناظره نمی کنیم. یا با آقای یزدانی و ابو القاسمی مناظره نمی کنیم. بعد گفتند مناظره می کنیم، الان این ها بهانه ی شان این است که چرا شبکه ی قرآن نمی آید مناظره کند؟ یک کسی آمد گفت من در همدان بودم ۱۰ متر از این کردو ها می پریدند گفتند آقا همدان این طور بود حالا شما بیایید این جا بپرید.

حالا شبکه های قرآن شبکه های ملی آن ها را ما نمی دانیم یک محضوراتی قطعاً دارند. آن ها را هم ما تشویق می کنیم. گیریم مناظره ای هم صورت گرفت واقعا شما باختید آن جا، پخش کردند شبکه ی قرآن پخش کرد، شبکه ی خبر پخش کرد. این دیگر واضح و روشن بود. ما برای این که اذهان افراد روشن بشود آقای شهنازی ما اصلاً کاری به حضرت عالی هم ندارم که دنبال حق هستید ما تعدادی از عزیزان شیعه ما می خواهند ببینند ما که داریم این طرف حرف می زنیم آن هم یک ادعایی دارند. آیا این ادعای آن ها درست است یا ادعای ما درست است؟ در یک مناظره ی رو در رو حقائق حتی برای بچه شیعه های ما روشن بشود. ما از شما خدا حافظی می کنیم و من یک توضیح مختصری خدمت حضرت عالی عرض می کنم.

ببینید در رابطه با اصل خلافت و امامت در قرآن این دیگر عبارت های بزرگان شما است که می گوید در رابطه با حضرت عالم خدای عالم می گوید:

إذ قال ربك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة.

خداوند می گویند من خلیفه قرار می دهم.

نمی گوید مردم، در رابطه با حضرت داوود می گوید:

إنا جعلناك خليفة في الأرض.

و آقای قرطبی از علمای بزرگ شما است. متوفی ۶۷۱ است وقتی همین سوره ی ۳۰ بقره را می آورد،

إذ قال ربك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة.

می گوید:

هذه الآية أصل في نصب إمام و خليفة.

این اصل و ریشه است.

یعنی در حقیقت اصل امامت در قرآن آمده است این را هم عالم شما دارد می گوید ما که نمی گوییم. یا

آقای محمد امین شنقیطی از علمای بزرگ وهابی است ایشان هم می گوید:

و من الواضح ال معلوم من ضرورة الدين أن المسلمين يجب عليهم نصب إمام.

این ها مباحثی است که کاملا واضح و روشن است. و همچنین در رابطه با حضرت موسی، حضرت

موسی به خدای عالم می گوید:

و اجعل لي وزيراً من أهلي.

وزیری و جانشینی از اهل من قرار بده.

هارون أخي.

نمی آید بگوید خدایا من می خواهم هارون را به عنوان خلیفه انتخاب بکنم. خدای عالم هم می گوید.

أوتيت سؤالك يموسى.

در خواست تو را قبول کردیم.

حضرت موسی هم بر می گردد می گوید: حالا که خدای عالم قبول کرد.

أخلفني في قومي.

این ها کاملا واضح و روشن است و همچنین در رابطه با آیه ی شریفه ی ۲۴۶ سوره ی بقره، در رابطه با

قضیه ی طالوت است که،

قالوا لنبي لهم ابعث لنا ملكا.

یک فرمانده ای برای ما انتخاب کن.

بر گشت گفت که،

إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا.

بعد گفته اند که خدای عالم این فرمانده را برای شما انتخاب کرده است. ببینید این ها همه نشان می دهد بر این که اصل امامت و اصل خلافت کاملاً در قرآن آمده است در رابطه با حضرت ابراهیم آیه ی ۱۲۴ سوره ی بقره،

إِنِّي جَاعِلٌكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا.

این ها واضح و روشن است که اصل امامت در قرآن آمده است در آن هیچ شک و شبهه ای نیست. در رابطه با امامت حضرت امیر سلام الله علیه هم برادر من این ها را ما بار ها برای عزیزان نشان داده ایم از آیات قرآن ما نشان داده ایم، از روایات نشان داده ایم، از عزیزان اهل سنت نشان داده ایم، این آیه ی،

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ.

آیه ی ۵۵ سوره ی مائده، که طبری و دیگران همه دارند. آلوسی به صراحت می گوید:

غالب الأخباریین علی أن هذه الآية نزلت في علي كرم الله وجهه.

ادعای اجماع می کند. این آیه در حق امیر المومنین نازل شده است.

و این که دلالت آیه بر امامت حضرت امیر کاملاً واضح و روشن است این ها مباحثی است که ما مفصل در باره ی این آیات توضیح داده ایم. آیه ی اکمال است، آیه ی ابلاغ است. این که دیگر عبارت مال بزرگان شما است می گوید ابن ابی حاتم می گوید:

يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك في علي بن أبي طالب.

این را که دیگر ما نمی گوئیم. از آن طرف شما ببینید آلوسی سلفی از قول عبد الله مسعود می گوید ما

زمان پیغمبر این آیه را این طور می خواندیم،

يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك إن عليا ولي المومنين.

پیغمبر به مردم برسان علی ولی امر مومنین است.

إن لم تفعل فما بلغت رسالته.

از این روشن تر می خواهید باشد؟ دیگر من نمی دانم دنبال چه هستید؟ حدیث ولایت، حدیث خلافت،

حدیث امامت، دیگر این تعبیری است که حاکم نیشابوری می گوید خدای عالم به من وحی کرد در باره ی علی

۳ مطلب را،

علی سید المسلمین.

علی سرور مسلمان ها است.

و إمام المتقین.

امام متقین است.

دیگر از این روشن تر؟

قائد الغر المحجلین.

رهبر رو سفید ها و پیشانی سفید ها.

حاکم نیشابوری هم می گوید حدیث صحیح است. و امثال این قضایا، اگر کسی دنبال حقیقت است

خیلی واضح و روشن است.

آقای علی اسماعیلی:

حاج آقا در خصوص اسمت امامت هم سوال کردند.

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

بله. در رابطه با اسمت امامت هم آیه ی تطهیر،

إنما يريد الله ليذهب أنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيرا.

این را هم کاملا نشان می دهد بر این که این آیه هم اسمت امیر المومنین سلام الله علیه و اسمت ائمه علیهم السلام را مفصل اثبات می کند. و خود روایات متعددی ما در کتب شیعه، در کتب اهل سنت داریم بر این که خود پیغمبر اکرم فرمود که علی و اولاد او معصوم هستند. علی فرمود ما همه معصوم هستیم. حالا اگر فرصت بشود چون الان فرصت خیلی زیادی هم نداریم بر این که اگر وقت شد من ان شاء الله خدمت بینندگان عزیز مفصل در رابطه با اسمت ائمه علیهم السلام صحبت خواهم کرد ولی شما کتاب های خودتان را هم اگر ببینید قطعاً آن جا هم مفصل در رابطه با اسمت ائمه از دیدگاه اهل سنت که این ها مفصل آورده اند. یا حدیث ثقلین،

إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي و أهل بيتي.

خدای عالم اهل بیت ابن قرآن قرار داده است همان طوری که قرآن از هر گونه خطا و اشتباه مصون است اهل بیت هم از اشتباه مصون هستند.

آقای علی اسماعیلی:

خیلی مچکریم البته این نکته را هم من توضیح بدهم آقای شهنازی خیلی تأکید داشتند که همه چیز در قرآن است. به هر صورت همه چیز هم در قرآن نیست خیلی از مواردی که ما داریم و در مسائل دینی به آن توجه می کنیم و انجام می دهیم فرموده ی پیغمبر گرامی اسلام و فرموده ی ائمه ی معصومین علیهم السلام است. الان مثلا برای نمونه ما صبح ها ۲ رکعت نماز می خوانیم کجای قرآن آمده است که ما ۲ رکعت نماز بخوانیم؟ یا شکل و شمایل وضو گرفتن، یا ظهر آرام بخوانیم و شب بلند بخوانیم. این ها چیز هایی است که در قرآن نیامده است و ما داریم انجام می دهیم. به هر صورت امر و فرمایش حضرت رسول و ائمه ی معصومین علیهم السلام است. این را از این جهت گفتم که شما خیلی تأکید کردید همه چیز در قرآن آمده است، ولی نه همه چیز هم در قرآن نیامده است به هر صورت ائمه ی معصومین و پیامبر معظم اسلامی خیلی چیز ها را برای

ما روشن کرده اند. اما بیننده ی بعدی ما جناب آقای حسینی هستند از بوکان از عزیزان اهل سنت هستند یک مقداری هم معطل شدند به خاطر این که آقای شهنوازی یک کمی طولانی شد. آقای حسینی سلام بر شما.

بیننده:

سلام علیکم و رحمت الله. عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما و تمام هم کاران عزیز شما، من اولاً باید اعتراف کنم که خیلی می ترسم از مباحث دینی و حدیث و این ها، یک مذهب شافعی هستم و فامیلی من هم حسینی است. می گویند از حضرت حسین و امام علی آمده است و به همه ی سنی مذهب ها هم می گوئیم که امام علی شیر خدا بوده، امام علی فاتح خیبر بوده، امام علی خیلی بزرگ است. و کاری هم به شبکه ی وهابیون هم ندارم. حدیث آن ها برای خودشان است و حدیث شما هم برای خودتان است. نمی گویم قبول ندارم باید قبول داشته باشیم هم شما و هم سنی مذهب ها، ولی آن چیزی که واضح است از خلیفه های اول و دوم و سوم را قبول داریم قبل از امام علی دیگر؟

آقای علی اسماعیلی:

ما قبول داریم؟

بیننده:

بله. در تاریخ اسلام.

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

شما فرمایش تان را بفرمایید من در خدمت شما هستم.

بیننده:

این سوالی که من می خواهم بگویم آیا حضرت امام علی از طرف الهی به امامت بر گزیده شده اند؟ یعنی امام علی که شما می گوید خیلی بزرگ است و ما هم می گوئیم خیلی بزرگ است چرا شده است که این همه سال در خلافت حضرت ابو بکر و عمر و عثمان چیزی نگفته است؟ ساکت بوده چرا؟ نباید از حق خودش دفاع می کرد؟ می خواستم بدانم کمک گرفتن شما از امام حسین و امام علی و بقیه ی امام ها تضادی با، ایاک نعبد و ایاک نستعین.

در سوره ی فاتح ندارد؟ سوالی ندارم.

آقای علی اسماعیلی:

آقای حسینی من خدمت شما عرض می کنم شما تازه شبکه ی ولایت را دیده اید یا قبلا هم بیننده ی ما بوده اید؟

بیننده:

کم نگاه می کنم خیلی هم نگاه نمی کنم.

آقای علی اسماعیلی:

ما این بحث را خیلی مطرح کرده ایم. استاد می گویند که چرا امیر المومنین در این مدت از حقوق خودش دفاع نکرده است؟ و اگر می گوید انقدر امیر المومنین بزرگ است و انقدر جای گاه و مقام دارد،

بیننده:

ما هم می گوئیم خیلی بزرگ است. اولاً گفتم امام علی شیر خدا است.

آقای علی اسماعیلی:

همه ی ما می گوئیم که امیر المومنین جای گاه والایی دارد. چرا از حقوق اش دفاع نکرده است؟ سوال

شما این است؟

بیننده:

بله.

آقای علی اسماعیلی:

آقای حسینی ممنون هستیم از شما، از طریق گیرنده پاسخ سوال تان را بگیریید. با شما خدا حافظی می کنیم. خدا نگه دار تان باشد. وقت مان هم کم است یک بیننده ی دیگر هم پشت خط داریم. اگر اجازه بدهید ما این بیننده را هم بیاوریم روی خط و بعد استاد پاسخ بفرمایند. جناب آقای روستا آزاد از هشت گرد از عزیزان شیعه ی ما هستند. آقای روستا آزاد سلام علیکم.

بیننده:

سلام علیکم. سلام خانواده را هم می رسانم خدمت شما و خدمت حاج آقا، جناب آقای آیت الله قزوینی شرمنده ام می خواستم چند تا از اسنادی که اگر حضرت علی نبود عمر هلاک می شد را می خواستم بدهم خدمت بینندگان که طی این تحقیقاتی که کرده ام البته چیز هایی که خوانده ام می خواهم خدمت شان بدهم. ابن حجر عسقلانی متوفی سال ۸۵۲ در ص ۳۳۷ تهذیب التهذیب چاپ حیدر آباد، عرض ام به حضور تان ابن قطیبه ی دینوری متوفی سال ۲۷۶ در ص ۲۰۱ و ۲۰۲ کتاب تعابیر مختلف الحدیث، محمد بن علی صفان در ص ۱۵۲ اضعاف الرابعین، محمد بن طلحه ی شافعی در ص ۲۹ ضمن فصل ششم مطالب السئول، امام احمد حنبل در فضائل و مسند، سبط ابن جوزی در ص ۸۵ و ۸۷ تذکره ی شان، امام صعلی در تفسیر در کشف البیان،

محمد بن علی بن حسن الحکیمی ترمذی در شرح فتح المبین، شیخ سلیمان بلخی حنفی در باب ۱۴ ینافی الموطع، ابن ماجه در سنن اش هم است. نیشابوری هم در مناقب شان است.

یک مطلب دیگری که خود علمای بزرگ اهل تسنن در رابطه با پایین بودن به مراتب درجات خلیفه های راشد شان گفته اند، ابو بکر و عمر نسبت به حضرت علی این بوده که محمد بن اسماعیل بخاری در ص ۱۰۰ ج ۲ صحیح چاپ مصر سال ۱۳۲۰، مسلم بن حجاج در ص ۳۲۴ ج ۲ صحیح چاپ مصر،

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

مچکریم دست شما درد نکند.

آقای علی اسماعیلی:

ممنون هستیم شما شغل تان چه است؟

بیننده:

شغل بنده آزاد است.

آقای علی اسماعیلی:

خدا شما را خیر بدهد. اطلاعات خوبی دادید دست شما درد نکند. من عذر خواهی می کنم چون فرصت برنامه ی ما کم است همین مقدار اطلاعاتی که دادید کافی است. ان شاء الله دیگر عزیزان مراجعه می کنند و البته ما هم در برنامه های مختلف این مطالب را عرض کردیم خدمت عزیزان بیننده، با شما خدا حافظی می کنیم. جناب استاد پاسخ سوال آقای حسینی را بفرمایید در این مدتی که از وقت باقی مانده است.

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

شما می گویند علی بن ابی طالب چرا از حق خودش دفاع نکرده است. اولاً خود نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بر این که یا علی بعد از من در حق تو ظلم خواهد شد. این دیگر در کتب شیعه و سنی مفصل آورده اند بر این که رسول اکرم نسبت به غضب حقوق امیر المومنین سلام الله علیه مطرح کرده است. الان اگر این برادر عزیز من یک لحظه مانیتور من را ببیند خود پیغمبر اکرم، این دیگر به سند صحیح در کتاب های شما است. پیغمبر گفت:

إِن وَلِيْتُمُوها عَلِيَا.

اگر علی را ولی خودتان قرار بدهید.

یا.

إِن تَسْتَخْلُوا عَلِيَا وَ مَا أَرَاكُمْ فَاعِلِينَ.

اگر علی را خلیفه قرار بدهید گر چه می دانم شما نمی کنید.

ببینید تمام این ها در کتاب های شما آمده است.

وَ إِن تَوَمَّرُوا عَلِيَا.

اگر علی را امیر خودتان قرار بدهید.

وَ لَا أَرَاكُمْ فَاعِلِينَ.

گر چه می دانم شما نمی کنید.

این مسند احمد بن حنبل است آقای عبد الله بن احمد می گوید صحیح است، هیثمی می گوید صحیح

است، ابن حجر می گوید صحیح است، مقدسی می گوید صحیح است. یا در حلیه الاولیا،

وَ إِن تَسْتَخْلَفُوا عَلِيَا وَ مَا أَرَاكُمْ فَاعِلِينَ.

اگر علی را خلیفه قرار بدهید اگر چه می دانم نمی کنید.

ببینید این ها مباحثی است که کاملا واضح و روشن است و از طرفی هم مفصل این مباحث در کتاب های شما آمده است. یا حتی خود پیغمبر اکرم فرمود اگر علی را خلیفه کنید همه ی شما را وارد بهشت خواهد کرد. با سند های صحیح و معتبر، و عبارت دیگری که در این جا است پیغمبر اکرم فرمود:

ضغائن في صدور قوم.

کینه هایی من می بینم در سینه ها.

لا یبدونها لک حتی یفقدونی.

بعد از من این کینه ها به ظهور در می آید.

این هم مجمع الزوائد هیثمی می گوید صحیح است. جناب منذری می گوید صحیح است، ابن حجر می گوید روایت صحیح است. البته حسن با صحیح تفاوتی ندارد.

الحسن صحیح کلاحتجاج.

یا در روایت صحیحی که آقای حاکم نیشابوری دارد، علی فرمود که پیغمبر اکرم من جمله از وصیت هایش،

أن الأمة ستغدر بی بعده.

امت در حق من خیانت خواهند کرد.

هذا حدیث صحیح الإسناد.

این ها از یک طرف، از طرف دیگر هم ما می بینیم نبی گرامی صلی الله علیه و آله و سلم به علی بن ابی طالب فرمود:

یا علی إن وجدت ناصر فجاهد هم.

اگر چنان چه یا علی نیرویی پیدا کردی با این ها بجنگ اگر نیرو پیدا نکردی با این ها نجنگ.

این عباراتی است که در کتاب های متعدد عزیزان اهل سنت آمده است. شما بفرمایید پیغمبر ۱۳ سالی که در مکه بود چرا از خودش دفاع نکرد؟ چرا در برابر مشرکین قیام نکرد؟ آیا نستجیر بالله پیغمبر شجاع نبود؟ قضیه ی حضرت هارون خلیفه ی منصوب حضرت موسی است.

یا هارون أخلصنی قومی.

وقتی رفت بعد از ۱۰ روز برگشت دید سامری آمده است همه چیز را به هم زده است آمد اعتراض کرد حضرت هارون گفت که یا موسی من ترسیدم که اگر می خواستم از حق خودم دفاع کنم تفرقه ایجاد می شد. و در میان بنی اسرائیل برادر کشی آغاز می شد. شما ببینید همین عبارت در منابع عزیزان اهل سنت آمده است. ببینید این دیگر در کتاب الاستیعاب آقای ابن عبد البر است از کتاب های معتبر شما است. امیر المومنین سلام الله علیه قسم می خورد می گوید:

و ایم الله.

قسم به خدا.

لولا مخافة الفرقة.

اگر من واهمه ی این نداشتم در میان مسلمان ها تفرقه ایجاد می شود.

و أن يعود الكفر.

تفرقه ایجاد می شود و مسلمان ها هم دیگر را می کشند کفر بر می گردد.

و يبوه الدين.

دین اسلام از بین می رود به طور کلی.

می گوید اگر من ترس این نداشتم تفرقه ایجاد می شود و مسلمان کشی شروع می شود.

لغيرنا.

این حکومت را تغییر می دادم.

در برابر این ها قیام می کردم. این دیگر عبارت ما نیست. مال شما است. شما می گوید علی بن ابی طالب فاتح خیبر، فاتح بدر، بفرمایید در رابطه با قتل عثمان که ایشان مظلومانه کشته شد، علی بن ابی طالب خلیفه چهارم است و شما قبول دارید، چرا در برابر قتل عثمان علی بن ابی طالب قیام نکرد؟ جلوی قتل عثمان را نگرفت؟ تنها فقط در رابطه با حق خودشان! شما می گوید خلیفه ی سوم مظلومانه کشته شد، حالا ما کاری با دیگر صحابه ندارم. علی بن ابی طالب فاتح خیبر، فاتح بدر، چرا در برابر شورش ها قوم عبد الله صبع، علی بن ابی طالب قیام نکرد؟ برای جلوگیری از یک ظلم؟ شما چه جوابی آن جا دارید هر جوابی به ما دادید این جا هم همان جواب است.

یا اصلا خود صحابه، آقایان می گویند عبد الله الصبع آمد و عثمان را کشت و غیره، این صحابه کجا بودند؟ چرا صحابه دفاع نکردند؟ مگر خلیفه ی منصوب خودشان نبود؟ خلیفه ی منصوب شورای ۶ نفره ی عمر بن الخطاب نبود؟ چرا این ها قیام نکردند؟ چرا در برابر شورش ها یک نفر از صحابه اعتراض نکرد؟ شما بروید آن ها را ببینید. امیر المومنین سلام الله علیه اگر قیام نکرد اولاً به خاطر وصیت پیغمبر بود، به خاطر ایجاد تفرقه بود، شما ببینید پیغمبر اکرم در برگشت از جنگ تبوک ۱۲ نفر، حالا شما بفرمایید منافقین ولی بخوانید صحابه، تصمیم گرفتند پیغمبر را ترور کنند. خود پیغمبر گفته است،

في أصحابي اثني عشر منافق.

در میان صحابه ی من ۱۲ تا منافق است.

می خواستند پیغمبر را ترور کنند. عمار می گوید یا رسول الله دستور بدهید این ۱۲ نفر را بکشیم. پیغمبر اجازه نمی دهد. چرا اجازه نداد پیغمبر؟ برای این که این ۱۲ نفر از سران هستند. اگر چنان چه این ها کشته بشوند طرف دارانی دارند و قیام می کنند و کشت و کشتار ایجاد می شود و مردم جو درست می کنند، منافقین دنبال همچنین فرصتی هستند، یهودی ها از اسلام ضربه خورده اند، مسیحی ها ضربه خورده اند، از آن طرف ابر قدرت شرق که روم است ضربه خورده است از اسلام، ابر قدرت غرب، ابر قدرت شرق ایران دنبال فرصت است

که ضربه بزند. تمام این قضایا را اگر شما ملاحظه کنید یقین پیدا می کنید کاری که امیر المومنین کرد جز به صلاح اسلام و دین و مسلمان ها چیز دیگری نبود. خود حضرت هم فرمود من حاضر هستم در حق من ظلم بشود و من بر این ظلم صبر می کنم ولی اسلام ضربه نبیند. یعنی امیر المومنین آمد خودش را فدا کرد برای احیای اسلام.

آقای علی اسماعیلی:

درست است. بسیار خوب، خیلی ممنون هستم از حضرت استاد، پیامک های زیادی به دست ما رسیده است دیگر فرصت نیست من فقط یک یا دو تا از آن ها را اشاره کنم. عزیزی پیامک فرستاده اند گفته اند که با تشکر از برنامه ی شما هر شب در خصوص امامت صحبت بکنید باز هم با توجه به تبلیغات گسترده ی شبکه های وهابی گفته اند کم است. در خصوص پاور پوینت های برنامه گفته اند که چه طور می توانیم به دست بیاوریم استاد؟ این را همیشه در خواست دارند عزیزان بیننده،

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

من پاور پوینت هایم را هر روز تغییر می دهم. ما یک پاور پوینتی را بگذرایم روی سایت بعد دوستان ببینند من این جا تغییر داده ام می گویند این که گذاشته اید روی سایت چیز دیگری است، ما با آقای محسنی قول داده بودیم، بعضی از دوستان هم پیامک داده اند آقای محسنی چه شد؟ حاج آقای محسنی برای سفر تبلیغی رفته اند شاید یک یا دو هفته خدمت ایشان نباشیم. به خارج از کشور تشریف برده اند برای برنامه ی تبلیغی و آموزشی، ان شاء الله در خدمت جناب آقای اسماعیلی بزرگوار مجری خوش اخلاق و خوش بر خورد، البته ایشان هنوز به درجه ی ماموستایی و مولوی مثل آقای محسنی نرسیده اند.

آقای علی اسماعیلی:

از شما ممنون هستم جناب استاد. عزیزان بیننده بحث ها را از طریق سایت می توانند خیلی از همین برنامه ها در آرشیو سایت ما است آن ها را دریافت بکنند همان طور که استاد گفتند بعضی از چیز ها را نمی شود بگذاریم باز دو باره به روز رسانی می شود و تغییراتی به آن می دهند باز دو باره شما می گوید که همان ها را می خواهیم. ممنون از همراهی شما عزیزان بیننده ی شبکه ی جهانی ولایت، لحظات پایانی برنامه ی حبل المتین است و لحظات دعای حضرت استاد حسینی قزوینی،

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

ما به احترام جناب آقای اسماعیلی عزیز ما قول می دهیم که همین فردا ۲ یا ۳ تا از پاور پوینت ها، امامت علی در قرآن، امامت علی در سنت، و اعلامیت امیر المومنین، را ان شاء الله من همین فردا صبح تحویل قسمت سایت قرار می دهیم که ان شاء الله این را هفته ی آینده که آمدیم این جا، جناب آقای اسماعیلی بگویند ما روی سایت گذاشته ایم و سایت هم نشان بدهند.

آقای علی اسماعیلی:

و این نکته را هم بگویم این پاور پوینت هایی که استاد زحمت کشیده اند فکر نکنید که شاید یک یا دو روز زحمت کشیده اند، نه شاید محصول سال ها تلاش و کوشش و زحمت ایشان است.

حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی:

همه ی این ها را هم من خودم انجام می دهم. چون من سلیقی دوستان دیگر را نمی پسندم. حالا هر کسی برای خودش سلیقه ای دارد. من خیلی تلاش ام بر این است که این پاور پوینت ها را شخصا با سلیقه ی خودم درست کنم بد یا خوب هم است سلیقه آخوندی است.

خدایا تو را قسم ات می دهیم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما ولی عصر نزدیک بگردان، ما را از یاران ویژه ی آن بزرگوار قرار بده، خدا به آبروی محمد و آل محمد قلب نازنین اش از ما راضی بگردان، خدا به آبروی محمد و آل محمد ما را به راهی که رضای خودت و رضای ولی ات بر آن است رهنمود بگردان، خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار، شر دنیا و آخرت از ما دور بگردان، بر تمام بیماران شفای عاجل کرم فرما، رفع گرفتاری از گرفتاران بنما، حوائج همه را بر آورده نما، دعا های ما را به اجابت برسان، و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

آقای علی اسماعیلی:

عزیزان ممنون و سپاس گذار هستیم از نگاه های مهربان شما و از توجه شما، امیدوارم که امشب هم برنامه ی حبل المتین برنامه ی زنده ی شبکه ی ولایت مورد توجه شما قرار گرفته باشد. برای ما حتما دعا کنید در لحظات قشنگ و معنوی که برای شما اتفاق می افتد. یا علی مدد، خدا نگه دار،